



۱۲ دلیل وجود خدا

جانر تاسلامان

۱۲ دلیل وجود خدا

تاسلامان، جانر / Taslaman, Caner

۱۲ دلیل وجود خدا / نویسنده جانر تاسلامان ؛ مترجم رامین کریمی.

نشر سایه _____ لاو ۱۴۰۳ / شابک: ۳-۶۱-۷۱۲۴-۶۲۲-۹۷۸

عنوان اصلی: Allahin varliginin 12 delili, 2016

فروست: مجموعه مطالعات می _____ ان رشته ای، کتابخانه علم، فلسفه و خدا.

موضوع: Philosophy -- Knowableness -- God

موضوع: خداشناسی -- فلسفه

ش _____ ناسه افزوده: کریمی، رامین، ویراستار، مترجم

رده بندی کنگره: BL۵۱: رده بندی دیویی: ۲۰۰/۱

ش _____ ماره کتابشناسی ملی: ۹۶۱۰۳۵۳

www.ketab.ir

عنوان اصلی: ۱۲ دلیل وجود خدا _____ دا

نویسنده: جانر تاسلامان / مترجم: رامین کریمی

مجموعه مطالعات میان رشته ای / کتابخانه علم، فلسفه و خدا

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۳- تیراژ: ۱۴۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: ترانه- شابک: ۹۷۸۶۲۲۷۱۲۴۶۱۳

همه حقوق چاپ و نشر برای نشر سایلاو محفوظ است.

نشانی: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، لبافی نژاد غربی

پلاک ۲۱۱ / واحد ۳ تلفن: ۰۲۱-۶۶۱۲۸۶۴۱

نقل مطالب کتاب حاضر، صرفاً برای معرفی کتاب مجاز است. اسکن کتاب، تصویربرداری و انتشار تمام یا بخش هایی از کتاب (چه در قالب PDF چه جزوه و...) غیراخلاقی و غیرقانونی بوده و نشر سایلاو به موجب ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان، متخلفان را مورد پیگرد قانونی قرار خواهد داد.

همراه گرامی و خواننده نازنین سایلاو...

اثری که در دست دارید، نخستین ترجمه از این کتاب است. نشر سایلاو در راستای سیاست کاری و تعهد اخلاقی خود، از انتشار آثار از پیش موجود در کشور خودداری می‌کند و صرفاً دست به انتخاب آثار برجسته‌ای می‌زند که پیش‌تر ترجمه و منتشر نشده‌اند. انتشار تکراری آثار، علاوه بر تضعیف ناشران گزیده‌کار به معنای از دست رفتن فرصت‌ها برای ترجمه و انتشار یکی از هزاران اثر برجسته ایست که هرگز به دست مخاطبان و علاقه‌مندان بالقوه خود نمی‌رسد. یادمان باشد یک دست صدا ندارد. با حمایت از ناشران اول یک اثر و عدم استقبال از ترجمه‌های تکراری به بهبود سبک فرهنگی کشور کمک کنیم...

در آینده‌ای نزدیک، مطالعات میان‌رشته‌ای نه یک انتخاب که یک اجبار خواهد بود.

مطالعات میان‌رشته‌ای، دانش دو یا چند رشته‌ی علمی برای شناخت و حل مسائل مهم و چندوجهی باهم می‌شوند. در بسیاری از موارد، شناخت یک پدیده مهم از ظرفیت یک رشته بخصوص علمی و یا حتی بی‌مورد از حوزه علم خارج است و اینجاست که مطالعات میان‌رشته‌ای با عبور از مرزهای سنتی دانش، درک این پدیده‌ها را فراهم می‌سازد. مطالعات میان‌رشته‌ای، سیطره وسیعی از رشته‌هایی چون علوم طبیعی، روان‌شناسی تکاملی، آینده‌پژوهی و... گرفته تا تلفیق کلی‌تر حوزه‌هایی چون علم، فلسفه و هنر را می‌گیرد.

سایلاو، به عنوان نخستین ناشر تخصصی مطالعات میان‌رشته‌ای در کشور، آثار مرتبط با این مجموعه قالب چند کتابخانه منتشر می‌کند: جهان مغز- فرگشت، انسان و جهان- فیزیک و فلسفه و...

**اگر ۱۲ دلیل وجود خدا را دوست داشتید، دیگر کتاب‌های
کتابخانه علم، فلسفه و خدا از مجموعه مطالعات میان‌رشته‌ای
نشر سایلاو را هم بخوانید...**

- تکامل، فلسفه و خدا / جانر تاسلامان
- بیگ‌بنگ، فلسفه و خدا / جانر تاسلامان
- کوانتوم، فلسفه و خدا / جانر تاسلامان
- از داروین تا هیتلر / ریچارد ویسکارت
- زاده شده برای ایمان / اندرو نیوبرگ
- ادعایی علیه واقعیت / دونالد هافمن
- و ...





فهرست مطالب

۷	پیشگفتار
۹	مقدمه
	برهان اول
۱۹	دلیل کیهان شناختی کلام
	برهان دوم
۳۱	دلیل وجود قوانین
	برهان سوم
۴۱	دلیل اکتشاف پذیری جهان
	برهان چهارم
۵۳	دلیل بالقوگی (پتانسیل) جهان
	برهان پنجم
۶۳	دلیل تنظیم دقیق قوانین و ثابت های فیزیکی
	برهان ششم
۷۳	دلیل تنظیم دقیق پدیده های فیزیکی

۸۳	برهان هفتم	دلیل نظم در جانداران
۱۰۱	برهان هشتم	دلیل امیال طبیعی
۱۱۵	برهان نهم	دلیل اخلاق ذاتی
۱۲۹	برهان دهم	دلیل عقل
۱۴۱	برهان یازدهم	دلیل اراده
۱۵۷	برهان دوازدهم	دلیل خودآگاهی و خویشتن
۱۷۹	بخش پایانی	سخن آخر
۱۸۳		منابع

پیشگفتار

بنا به ادعای برخی فلاسفه مارکسیست و نمایندگان دیدگاه‌های خدا باوری نو، پوزیتیویسم و رویکردهای پست مدرن و حتی برخی فرقه‌های مذهبی، دوران اقامه برهان برای اثبات وجود خدا به سر آمده و این براهین را تنها می‌توان در لابه‌لای قفسه‌های غبارگرفته کتابخانه تاریخ جستجو کرد... چنین رویکردهای ساده لوحانه‌ای، از هیچ پایه و اساس منطقی برخوردار نیستند. ۱۲ دلیلی که در این کتاب برای اثبات وجود خدا اقامه می‌شود، نشان می‌دهد که چرا چنین رویکردهایی کاملاً برخلاف هستند. نسخه طولانی‌تر برخی از براهین این کتاب را در دیگر آثارم می‌توانید ببینید.

باور ما به وجود یا عدم وجود خدا، در چگونگی نگرش ما نسبت به خودمان و کسانی که دوستشان داریم تعیین کننده است. این باور به ادراک ما از خودمان و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، سمت و سو می‌دهد. «چرا وجود داریم؟ از کجا آمده‌ام؟ من کیستم و پس از مرگم چه اتفاقی رخ خواهد داد؟»؛ پاسخ این پرسش‌ها و پرسش‌های وجودی و هستی‌شناسانه دیگر منوط به تصمیم ما در خصوص باور و یا انکار وجود خداست. وجود خدا به معنای آفرینش آگاهانه انسان‌ها و تمام پدیده‌ها، نگاه غایت‌شناختی و معناگرایانه به حیات و وجود جهان دیگری پس از این حیات (اگر خدا بخواهد) است. در تمام طول مطالعه این کتاب، به خاطر داشته باشید موضوع اصلی در این جا، مسئله بسیار مهم وجود خدا به عنوان پایه و اساس جستجوهای وجودی و هستی‌شناسانه ماست. دلایل مرتبط با بخش دوم این کتاب را در سه دوره مختلف و طی پژوهش‌هایم در دانشگاه هاروارد، انستیتو فارادی دانشگاه کمبریج و نیز زمانی که به عنوان

عضو هیئت علمی در دپارتمان فلسفه دانشگاه ییلدیز تکنیک فعالیت می کردم، تدوین و بعدها گردآوری کردم. افراد بسیاری از جمله انیس دکو، آلپر بیلگی و... در مطالعه این کتاب و آماده سازی آن نقش داشتند. از همه آنها تشکر می کنم. همین طور، از مجموعه نشر سایلاو به عنوان نماینده رسمی من در ایران، بابت ترجمه و انتشار پاکیزه آثارم سپاسگزارم. تاکنون سه اثر دیگرم در رابطه با علم، فلسفه و خدا از جمله بیگ بنگ، فلسفه و خدا، کوانتوم، فلسفه و خدا و تکامل، فلسفه و خدا از سوی نشر سایلاو منتشر شده اند. مطالعه این آثار را به علاقه مندان توصیه می کنم. دیدگاه ها، نظرات و انتقادات خود را می توانید به پست الکترونیک نشر سایلاو و یا وب سایت من به آدرس www.canertaslamen.com ارسال کنید.

www.ketab.ir

مقدمه

مناقشات مربوط به براهین وجود خدا از عمری به درازای تاریخ فلسفه و ادیان برخوردار است. در این کتاب به مهم‌ترین پرسش وجودی فلسفه و ادیان می‌پردازیم و در پاسخ به این پرسش، توجه ویژه‌ای به یافته‌های علمی مدرن خواهیم داشت. شروع بسیاری از آثار مرتبط با علم کلام^(۱) در اندیشه اسلامی با این موضوع، نشان از اهمیت ویژه آن در مکتب اسلام دارد. تفکر درباره مخلوقات و استنتاج وجود خالق بر پایه این آفریده‌ها، روشی است که قرآن بارها به آن اشاره کرده است. بسیاری از آیات قرآن به جهان، پدیده‌های بر روی زمین، جانداران و جهان درونی ما پرداخته است.

«محققاً در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت‌وآمد شب و روز، و کشتی‌ها که بر روی آب برای انتفاع خلق در حرکت است، و بارانی که خدا از بالا فرو فرستاد تا به آن آب، زمین را بعد از مردن زنده کرد و سبز و خرم گردانید، و در پراکندن انواع حیوانات در زمین، و گردانیدن بادها (به هر طرف) و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است، در همه این امور ادله‌ای واضح برای عاقلان است.»^۱

«مسئلاً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع‌کننده] است.»^۲

«بگو که در زمین سیر کنید و ببینید که خدا چگونه خلق را ایجاد کرده (تا از مشاهده اسرار خلقت نخست بر شما به خوبی روشن شود که) سپس خدا نشأ آخرت را ایجاد خواهد کرد، همانا خدا بر هر چیز تواناست.»^۳

عقل تنها منبع ایمان و انکار آدمی نیست؛ بلکه عوامل روان‌شناختی و

۱. آیه ۱۶۴ سوره بقره.

۲. آیه ۱۹۰ سوره آل عمران.

۳. آیه ۲۰ سوره عنکبوت.



فاکتورهای دیگر هم از نقش بسزایی در شکل‌گیری باورهای ما برخوردارند. با این حال، عقل مهم‌ترین بخش طبیعت انسان است. نادیده گرفتن و یا کم‌اهمیت قلمداد کردن نقش عقل در ایمان ما با طبیعت انسان در تضاد است؛ چنین رویکردی همچنین به معنای چشم بستن بر روی بسیاری از آیات قرآن است. به منظور درک اهمیت براهین مبتنی بر عقل (ارزیابی‌های علمی و فلسفی) در اثبات وجود خدا، نخست باید فهم درستی از جایگاه تعقل و اندیشه‌ورزی در ادیان داشته باشیم.

در اغلب مواقع، با این پرسش مواجه می‌شویم که آیا راهی برای اثبات اصول اساسی مورد ادعای اسلام (ایمان به خدا، پیامبران خدا، قرآن، جهان آخرت و...) ^(۱) با استناد به روش‌های مبتنی بر عقل وجود دارد؟ من دو رویکرد ممکن را برای پایه‌گذاری منطقی باور به این اصول اساسی مورد توجه قرار می‌دهم. نخستین رویکرد، روشی است که آن را «جزء به کل»^۱ می‌نامیم. فرد قائل به این رویکرد، با استناد به این که محتوای قرآن نمی‌تواند اثر یک انسان و یا گروهی از انسان‌ها بوده باشد، می‌پذیرد که قرآن کتاب خداست و درستی باورهای اساسی این کتاب (از جمله اصولی که پیش‌تر به آن‌ها اشاره کردم) را می‌پذیرد. دعوت قرآن از افراد برای آوردن کتابی مشابه، دال بر همین رویکرد است. رویکرد دوم، روش «کل به جزء»^۲ خوانده می‌شود؛ فرد قائل به این رویکرد، با استناد به وجود خدا (و حذف رویکردهای دینی و فلسفی مخالف)؛ به ارزیابی مسائل مرتبط با فلسفه دین می‌پردازد. تلاش برای استنتاج خدا با بررسی مخلوقات و پدیده‌های جهان، رویکردی است که در قرآن هم به آن اشاره شده است. البته که می‌توان از ترکیب این دو رویکرد، به رویکرد سومی هم دست یافت (این رویکرد مطلوب من است، با این وجود در این کتاب من روش دوم را در پیش گرفته‌ام). در این رویکرد، پس از بررسی شواهد وجود خدا، ارزیابی ادیان و انتخاب دین از بین آن‌ها با تکیه بر محتوای قرآن (روش اول) صورت می‌پذیرد. مهم‌ترین وجه تمایز روش دوم، استناد

1. bottom-up
2. top-down

آن به براهین عقلی مبتنی بر شواهد برای اثبات وجود خداست. از آن جایی که وجود خدا در مرکز هستی‌شناسی قرآن جای دارد، چنین براهینی مستقل از محتوای آن نیستند.

براهین اثبات وجود خدا را نباید به عنوان دلیلی برای اثبات تنها یک اصل از اصول مورد ادعای قرآن ارزیابی کرد. اجازه دهید یک بار دیگر این اصول را مرور کنیم: پیامبری محمد، فرستادن قرآن به عنوان پیامی از سوی خدا، وجود جهان پس از مرگ در آخرت، تن دادن به برخی اصول اخلاقی مشخص و... پذیرش وجود خدا به معنای ممکن بودن «رسالت پیامبران» است؛ چراکه «خالق همه چیز» می‌تواند از این طریق به پرسش‌های ما در خصوص «من از کجا آمده‌ام؟»، «پس از مرگم چه خواهد شد؟»، «مسئولیت من در برابر خالقم چیست؟» پاسخ دهد. وجود خدا تلویحاً به معنای امکان فرستادن پیامبری از سوی او برای آموزش هستی‌شناسی خدامحور و رد هر نوع خدا و بت‌های دیگر است. پذیرش وجود خدا هم چنین، امکان وجود حیات پس از مرگ را نیز، دربر می‌گیرد. برای یک خدای قادر مطلق که جهان را از نیستی خلق کرده است، آفرینش جهانی جدید کاملاً امکان‌پذیر است.

اثبات امکان‌پذیری یک رویداد به معنای اثبات وجود آن نیست. به منظور گذار از عالم امکان به عالم واقعیت، ارزیابی محتوای قرآن و نیز اقامه براهین مستقل ضروریست. با آشکار شدن اعتبار براهین اقامه‌شده برای وجود خدا و ارزیابی محتوای قرآن، صدق اساسی‌ترین پیام‌های قرآن از قبیل وجود خدا و خلقت جهان، جانداران و انسان‌ها از سوی او (به عنوان عناصر اساسی هستی‌شناسی قرآن) احراز می‌گردد. برای مثال، با اثبات وجود خدا، امکان‌پذیری نبوت منطقاً نشان داده می‌شود.

با الهام گرفتن از قرآن، براهین مرتبط با وجود خدا را به دو دسته تقسیم کردم. براهین دسته اول مبتنی بر مشاهدات ما از جهان بیرونی است، درحالی‌که

براهین دسته دوم به شواهدی که با درون‌نگری^۱ به وجود آن‌ها در درون خودمان پی می‌بریم، مرتبط می‌شوند. براهین دسته اول را با الهام گرفتن از قرآن «دلایل از راه جهان» و دسته دوم را «دلایل از راه طبیعت انسان (فطرت)» نامیدم.

«ما آیات (قدرت و حکمت) خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که خدا (و آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه) بر حق است. آیا همین حقیقت که خدا بر همه موجودات عالم پیدا و گواه است کفایت (از برهان) نمی‌کند؟»^۲

«و در زمین برای اهل یقین، نشانه‌هایی است. و در (آفرینش) خودتان (نیز نشانه‌هایی از قدرت، عظمت و حکمت الهی است). پس چرا (به چشم بصیرت) نمی‌نگرید؟»^۳

در بخش اول کتاب (دلایل از راه جهان)، هفت برهان اقامه خواهم کرد. برهان اول، که مشهورترین برهان در تاریخ کلام به شمار می‌آید، نشان می‌دهد که جهان ازلی نیست. در این فصل، با تلفیق یافته‌های علم مدرن به اقامه برهان «دلیل کیهان‌شناختی کلام» خواهم پرداخت. دومین فصل، به بررسی برهان «دلیل وجود قوانین طبیعت» می‌پردازد؛ این برهان بر اساس وجود قوانین جهانی در طبیعت تبیین شده است. این قوانین ما را به درک جهان قادر می‌سازند. سومین فصل و سومین برهان، به شرایطی می‌پردازد که فعالیت‌های علمی را امکان‌پذیر ساخته است و بنابراین «دلیل اکتشاف‌پذیری جهان» نام دارد. برهان چهارم با عنوان «دلیل بالقوگی جهان» اعتبار خود را مرهون پتانسیل غنی جهان و خلقت خدا به عنوان بهترین تبیین برای این پتانسیل است. برهان پنجم از یافته‌های علم مدرن درباره تنظیم دقیق قوانین طبیعت و ثابت‌های فیزیکی نشئت می‌گیرد؛ تنظیم دقیقی که حیات را بر روی زمین ممکن ساخته است. این برهان «دلیل تنظیم دقیق قوانین طبیعت و ثابت‌ها» نام دارد. برهان ششم با عنوان «دلیل

1. introspection

۲. آیه ۵۳ سوره فصلت

۳. آیه‌های ۲۰ و ۲۱ سوره ذاریات

تنظیم دقیق پدیده‌های فیزیکی» نیز به تنظیم دقیق متضمن حیات بر روی زمین مربوط است. آخرین برهان این بخش در فصل هفتم با نام «دلیل نظم حیات» به آخرین یافته‌های علم مدرن درباره حیات و جانداران می‌پردازد. (این فصل همچنین به بحث مختصری درباره سازگاری و یا تناقض نظریه تکامل با وجود خدا می‌پردازد.)

در بخش دوم با عنوان «دلایل از راه طبیعت انسان»، پنج برهان دیگر اقامه خواهد شد و به این ترتیب، مجموع براهین این کتاب به ۱۲ دلیل خواهد رسید. براهین این بخش بر اساس حمایت ویژگی‌های ذاتی انسان‌ها از خدا باوری^(۳) و ضعف خدا ناپاوری ماده‌گرا در توضیح این ویژگی‌ها اقامه شده است.^(۴) فصل هشتم با عنوان «دلیل امیال طبیعی» به ویژگی‌های فطری انسان‌ها می‌پردازد و ادعا می‌کند خلقت آگاهانه خداوند، بهترین تبیین ممکن برای وجود این امیال را فراهم می‌کنند. استدلال برهان نهم با عنوان «دلیل اخلاقی ذاتی» از یافته‌های روان‌شناسی مدرن و علوم شناختی برای نشان دادن ذاتی بودن اخلاق در انسان‌ها بهره می‌گیرد و خلقت این ویژگی‌ها از سوی خدا در فطرت انسان را به عنوان بهترین توضیح ممکن ارائه می‌کند. «دلیل عقل» از ظرفیت تعقل و استدلال در همه انسان‌ها به خدا باوری می‌رسد. برهان یازدهم به عنوان «دلیل اراده»، وجود اراده در انسان‌ها را با آفرینش آن از سوی خدا توضیح می‌دهد. آخرین برهان با عنوان «دلیل خودآگاهی و خویشتن» بهترین تبیین برای ظهور این ویژگی‌های فطری را در وجود خداوند جستجو می‌کند.

در این جا خیلی کوتاه می‌خواهم به روش‌شناسی استدلال در اقامه این براهین بپردازم. یکی از پایه‌ای‌ترین اشکال استدلال - که در علم، فلسفه و زندگی روزمره مرتباً آن را به کار می‌گیریم - ارزیابی همه گزینه‌ها و انتخاب مناسب‌ترین آن‌هاست. این روش مشابه رویکرد «استنتاج از راه بهترین تبیین» در فلسفه علم است.^(۵) در تمام طول تاریخ اندیشه، دو دیدگاه اصلی به پرسش «چگونگی ظهور حیات، جانداران و فطرت ما» پاسخ داده‌اند. بر اساس دیدگاه نخست،



تمام جانداران حیات و هستی خود را مدیون خدا هستند. از کهکشان‌ها گرفته تا زمین، از گیاهان گرفته تا حیوانات و انسان‌ها، از امیال انسان تا خودآگاهی او، همه و همه محصول خلقت الهی‌اند. بر اساس دیدگاه دوم، وجود همه پدیده‌های فوق‌الذکر با استناد به «تصادف و ضرورت» توضیح داده می‌شود. دیدگاه دوم، رویکردی است که خداناباوران ماده‌گرا اتخاذ کرده‌اند. بر اساس این رویکرد، جهان و قوانین آن، ضرورتاً از زمان ازل وجود داشته‌اند و همه چیز از کهکشان‌ها گرفته تا زمین، از گیاهان گرفته تا حیوانات و انسان‌ها، از امیال انسان تا خودآگاهی او، محصول تصادف‌های مکرر در چارچوب قوانین طبیعت است.^(۶) خداناباوران مشهور در گذشته و همین‌طور نوخداناباوران^۱ امروزی، خداناباوران ماده‌گرا به شمار می‌آیند.^(۷)

تقریباً تمام ندانم‌گرایان به ناتوانی در تشخیص درستی دو دیدگاه فوق قائل‌اند. تعیین درستی یکی از دیدگاه‌های فوق، بنا به ضرورت منطق، بی اعتباری ندانم‌گرایی را نیز نشان خواهد داد. در تمام طول این کتاب، در بررسی هر برهان، این دو دیدگاه با یکدیگر مقایسه خواهند شد و از میان آن‌ها «بهترین تبیین» برای هر برهان نشان داده خواهد شد. در این جا می‌خواهم به یک نکته دیگر اشاره کنم: صرفاً ادعا نمی‌کنم، خداباوری تنها نسبت به دیدگاه خداناباوری ماده‌گرا توضیح بهتری ارائه می‌کند؛ موضع اصلی من در این کتاب، این است که خداباوری نسبت به هر دیدگاه دیگری در توضیح پدیده‌ها بهتر عمل می‌کند و بهترین تبیین را ارائه می‌کند. در واقع، با بررسی دیدگاه‌های مختلف انکارکننده خدا از گذشته تا کنون، درمی‌یابیم که خداناباوری ماده‌گرا تنها آلترناتیو جدی خداباوری بوده است. بنابراین، من نه تنها نشان خواهم داد خداباوری توضیح بهتری نسبت به خداناباوری ماده‌گراست بلکه بهترین توضیح ممکن است. استنتاج برآمده از ارزیابی شواهد و دلایل حوزه‌های مختلف، روش ایده آلی است که نه تنها در زندگی روزمره خود بلکه در علم هم به کار می‌بریم. این روش

«یکپارچگی استقرا» نام دارد.^(۸) از آن جایی که ما از دلایل جهان، قوانین طبیعت، تنظیم دقیق، نظم حیات، اخلاق ذاتی، اراده و خودآگاهی و... برای دستیابی به نتیجه استفاده می‌کنیم، در اصل به این رویکرد استناد کرده‌ایم. به نظرم بررسی تصویر کلی تمام براهین، پس از مطالعه تک‌تک آن‌ها بسیار سودمند خواهد بود. دلایل مبتنی بر عقل، فرصت جالب توجهی را برای باورمندان به قرآن برای تقویت ایمان‌شان بر پایه استدلال‌های منطقی فراهم آورده است. مضاف بر این، این رویکردها خود به بررسی و تأمل درباره جهان، حیات و جهان درونی ما منجر می‌شود (رویکرد مورد تشویق قرآن). در تاریخ اندیشه، دو کتاب به‌عنوان منبع برای تفکر درباره خدا مورد استناد قرار گرفته‌اند؛ نخستین کتاب، متن مقدسی است که از جانب خدا فرستاده شده است و دومین منبع هم، کتاب جهان است. با الهام از آیه‌هایی که پیش‌تر به آن اشاره کردم، به نظر می‌رسد بتوان به این فهرست کتاب سومی با نام «فطرت انسان» افزود. نتایج سازگار و منسجم برآمده از هر سه کتاب، بر اعتبار هر نتیجه می‌افزاید. کتابی که در دست دارید بر روی نتایج حاصل از ارزیابی کتاب جهان و فطرت انسان تمرکز می‌کند.

یادداشت‌ها

۱. علم کلام، نامی است که به مطالعات اسلامی با هدف دفاع و تبیین اصول اساسی اسلام در برابر منکران و شک‌گرایان اشاره دارد.
۲. این باورهای اساسی در تمام مکاتب اسلام مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.
۳. در طول این کتاب، «خداباوری» مترادف با «تک‌خدایی یا توحید» به کار رفته است. خداانا باوری هم به معنای انکار وجود خداست.
۴. خداانا باوری یا آتنیسم، اندیشه‌ای فلسفی دال بر انکار وجود خداست. «طبیعت‌گرایی» نیز، اندیشه‌ای فلسفی با محوریت رد هر چیزی جز طبیعت (ماده، انرژی و فضا-زمان) است. در نتیجه، طبیعت‌گرایان به دلیل ماهیت غیر فیزیکی خدا، وجود او را رد می‌کنند. همه طبیعت‌گرایان، خداانا باورند اما همه خداانا باوران ضرورتاً طبیعت‌گرا نیستند و ممکن است به پدیده‌های فراطبیعی دیگری باور داشته باشند. هر چند در واقع، اغلب خداانا باوران طبیعت‌گرا هستند. ماده باوری یا «ماتریالیسم» اندیشه‌ای فلسفی است که ماده را به عنوان عنصر اساسی تشکیل دهنده همه چیز در جهان از جمله فرایندهای روانی و خودآگاهی قلمداد می‌کند. از این حیث، ماتریالیسم از ارتباط تنگاتنگی با طبیعت‌گرایی برخوردار است و با وجود این که فاطمه ماتریالیست‌ها خداانا باورند، ماده باوری ضرورتاً به خداانا باوری نمی‌انجامد. یک خدا باور می‌تواند در کنار ایمان به خدا، به ماده‌گرایانه بودن تمام فرایندهای جهان باور داشته باشد. علی‌رغم این تفاوت‌های ظریف، عبارات خداانا باوری، طبیعت‌گرایی و ماده باوری اغلب به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. از همین رو، تقریباً تمام خداانا باوران سرشناس تاریخ را می‌توان در یکی از این سه طبقه‌بندی قرار داد. بنابراین، در سرتاسر طول این کتاب، هنگام کاربرد عبارت خداانا باوری ماده‌گرا خواننده می‌تواند مترادف آن یعنی طبیعت‌گرایی را در نظر بگیرد.
۵. «استنتاج از راه بهترین تبیین» و یا «استدلال ربایشی» که در علم و زندگی روزمره به کرات استفاده می‌شوند، بر پایه یافتن بهترین توضیح از بین گزینه‌های مختلف بنا شده است. برای مطالعه بیشتر در این خصوص می‌توانید به این منبع مراجعه کنید:

Peter Lipton, *Inference to the Best Explanation*, London, Routledge, 2001.

۶. ممکن است در این تعاریف از خدا باوری و خدا ناباوری ماده‌گرا استثنائاتی وجود داشته باشد. با این حال، به راحتی می‌توانیم بگوییم این تعاریف، چکیده دقیقی از دیدگاه این مکاتب ارائه می‌دهد. برای مطالعه بیشتر در خصوص مباحث «شانس-تصادف» و «ضرورت» می‌توانید به منبع زیر مراجعه کنید:

Jacques Monod, *Chance and Necessity*, Vintage Books, New York, 1972.

۷. برای مثال، خدا ناباوران سرشناس معاصر از جمله ریچارد داوکینز، دنیل دنت، سم هریس، کریستوفر هیچنز و... همگی خدا ناباوران ماده‌گرا هستند. همچنین می‌توان به دیدگاه‌هایی اشاره کرد که بدون اتخاذ رویکرد خدا ناباوری ماده‌گرا، وجود خدا را انکار می‌کنند. برای نمونه، آیین شینتو با انتساب صفات الهی به خورشید، مکتبی مستقل از خدا باوری و خدا ناباوری ماده‌گرا محسوب می‌شود. با این وجود، علی‌رغم این‌که این دیدگاه هنوز هم پیروانی دارد، نمی‌توان هیچ فیلسوفی یافت که بر پایه منطق از این باور دفاع کند؛ چرا که ماهیت خورشید به عنوان یک ستاره معمولی و آغاز و پایان آن بر همگان روشن شده است. به طور خلاصه، علی‌رغم وجود دیدگاه‌هایی خارج از مکاتب خدا باوری و خدا ناباوری ماده‌گرا، هیچ یک از این دیدگاه‌ها را نمی‌توان به عنوان آلترناتیوی جدی قلمداد کرد.

8. Robert E. Butts, "William Whewell", *The Cambridge Dictionary of Philosophy*, Ed: Robert Audi, Cambridge, Cambridge University Press, 1999, p. 850-851.